

گرئیر هندریکس
سارا پکانن

زنی پوما

مینابیگی

۱۶۰۱۱۹۹
۹۷,۶,۵

www.ketab.ir

سرشناسه: هندریکس، گریس Hendricks, Grace

عنوان و نام پدیدآور: زنی میان ما / گریس هندریکس، سارا پکانن؛ ترجمه‌ی مینا بیگی.

مشخصات نشر: تهران: انتشارات مجید، ۱۳۹۷.

مشخصات ظاهری: ۴۰۰ ص.

شابک: 978-964-453-127-9

وضعیت فهرست‌نویسی: فیا

یادداشت: عنوان اصلی: The Wife Between us, 2018.

موضوع: داستان‌های آمریکایی - قرن ۲۱ م.

شناسه افزوده: پکانن، سارا Pekkanen, Sarah

شناسه افزوده: بیگی، مینا، ۱۳۶۵ - مترجم.

رده‌بندی کنگره: الف ۱۳۹۷ ۸ هـ ۴ ن / ۳۶۲۵ PS

رده‌بندی دیویی: ۸۱۳/۶

شماره کتابشناسی ملی: ۵۲۴۵۵۹۹



زنی میان ما

گرثیر هندریکس، سارا پکانن

ترجمه‌ی میناییگی

چاپ اول، تهران، ۱۳۹۷ هـ. ش.

۱۰۰۰ نسخه

ویراست و نسخه‌برداز: شهین خاصی

لینوگراف: گلبارگرافیک، چاپ دالاهو

مصحح جلد: محسن سعیدی

تمامی حقوق این اثر محفوظ می‌باشد.

شابک: ۹۷۸-۹۶۳-۴۵۳-۱۲۷-۹

ناشر همکار: انتشارات به سخن

آدرس دفتر: تهران، خ ۱۲ فروردین، کوچه نوروز، پلاک ۱، حله ۵

تلفن: ۶۶۴۹۱۵۸۸ - ۶۶۴۹۵۷۱۳

۳۵۰۰۰ تومان

Telegram & Instagram: @majidpub

www.majidpub.com

پیشگفتار

با تمام همتی تند در پیاده روی خیابان راه می رود. موهای طلایی اش را روی شانه هایش ریخته و گونه هایش سرخ شده اند. ساکی ورزشی نیز در دست دارد. زمانی که به آرمانش می رسد، دستش را در کیفش فرومی برد و کلیدش را درمی آورد. ساکی های زردرنگ در خیابان شلوغ و پرسروصدا در حال رفت و آمدند. مردم از کنار کافه های گرمی می گردند و اغذیه فروش ها به مغازه های خود می روند، اما من چشم از او برنداشتم.

او در راهروی ورودی ساختمان توقف می کند و نگاهی به اطراف می اندازد. انگار به من شوک وارد می شود. سراسیمه می شوم و متوجه نگاه خیره ای من شده است؛ «اردیابی نگاه» به این معنا که وقتی شخصی زیر نظرمان دارد، متوجه آن می شویم؛ یک سیستم کلی از مغز انسان است که این زن وراثتی اختصاص داده شده و از اجدادمان به ارث رسیده است. این سیستم، وقتی مورد حمله ای حیوانات قرار می گرفتند به آن ها هشدار می داده است. زمانی که دزدکی مشغول تماشای او بودم، مو به تنم سیخ می شد. من این حس را در خود غویت کرده ام و آموخته ام که چگونه از آن پیروی کنم.

اما آن زن به سمت در رفت و آن را باز کرد و داخل شد. اصلاً به سمت من برنگشت.

او از کاری که با او کرده ام، بی خبر است. از آسیبی که به او رسانده ام و از خرابی ای که به بار آورده ام، آگاه نیست.

برای این زن زیبا با صورت قلبی شکل و اندام شاداب، یعنی زنی که همسرم، ریچارد، مرا به خاطر او ترک کرد، من حتی به اندازه‌ی کبوتری که کنار پیاده‌روی خیابان دانه برمی‌چیند، به چشم نمی‌آیم.

اگر او به همین روند ادامه دهد، هرگز نخواهد فهمید چه بر سرش آمده است.

هرگز.

www.ketab.ir